بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین

جلسه 1

فقه صلاه الجماعه

[الطرف الثالث: في أحكام الجماعة]

[فيه مسائل]

[المسألة الأولى] [انكشاف فسق الإمام أو كفره أو كونه محدثاً]:

الطرف الثالث فی احکام الجماعه در جواهر

قبلا شرائط امام جماعت بحث شد.

مسئله: گروهی که نماز جماعت خوانده اما بعدا فهمیدند که امام جماعتشان: یا فاسق بوده یا کافر بوده یا طهارت نداشته به طوری که جنب بوده یا بدون وضو بوده! در این صورت حکم صلاه مامونین چیست؟

مثل زمانی که بدون وضو نماز خوانده بعد صلاه فهمیده بدون طهارت است.

بیان اخری از اشکال: ضامن القرائه در صورتی که امام الجماعه فاسق باشد یا بدون طهارت باشد، چه کسی می باشد؟ در حالی که قرائت او باطل می باشد و از طرفی مامومین به خاطر شرکت در نماز جماعت، قرائت رکعت اول و دوم به جا نیاورده اند؟ مشهور بین فقهاء: نماز مامومین باطل نیست.

(الاُولى: إذا) علم أو (ثبت بعد) الفراغ من (الصلاة أنّ‌ الإمام فاسق أو كافر أو على غير طهارة) من الحدث الأصغر أو الأكبر (لم تبطل صلاة المؤتمّ‌) (١).

(١) على المشهور بين الأصحاب قديماً و حديثاً، نقلاً و تحصيلاً. بل في الرياض: عليه عامّة أصحابنا عدا السيّد و الإسكافي .

بل في الخلاف الإجماع على الوسط الملحق به الأوّل إجماعاً في الرياض مع ظهور الأولويّة فيه [الفاسق]. وسط یعنی مورد دوم که امام کافر باشد نماز مامومین باطل نیست ، در مورد فاسق هم به طریق اولی نماز باطل نمی شود.

كما أنّه في التذكرة: الإجماع على الأخير [أي كون الإمام محدثاً] و نسبة الصحّة إلى [أكثر] علمائنا في الثاني [أي كفر الإمام]، علامه در تذکره گفته است که امام اگر محدث باشد اجماع داریم که نماز مامومین صحیح است، یعنی در صورت کافر بودن، نیز به علماء نسبت داده شده است که قائل به صحت نماز مامومین هستند.

ثمّ‌ حكى عن المرتضى خاصّة الخلاف فيه: لقاعدة الإجزاء، و إن كانت هي بالنسبة إلى الأخير [أي كون الإمام محدثاً] لا تخلو من إشكال از سید مرتضی نقل شده است که نماز مامومین صحیح نیست به دلیل قاعده اجزاء گرچه این قاعده نسبت به امام محدث، خالی از اشکال نیست.

طرح محل بحث: قرائت از واجبات نماز است، در این فرض مامومین قرائت نماز را انجام نداده اند و قرائت امام هم صحیح نیست؛ بنابراین وجه حکم به باطل نبودن صلاه مامومین چیست چرا نیاز به اعاده نماز مامومین نداریم.

استدلال کرده اند بنابر قاعده اجزاء این نمازه ها باطل نیست.

البته در فرضی که مامومین قرائت خوانده از فروع قابل بحث است خواهد آمد.

بیان مقدمه در بحث اجزاء: در معالم آمده که تکالیف شرعی آیا مثل صلاه یک بار واجب است یا اینکه دو بار واجب است؟، یعنی یک تکلیف واقعی داریم و یک تکلیف ظاهری داریم، مورد اول مخصوص جایی است که به امام معصوم علیه السلام در دسترسی داشته باشد؛ اما اگر به امام معصوم علیه السلام دسترسینداشته باشیم، طبق توقیع امام زمان علیه السلام باید رجوع کنیم به فقهاء از باب اینکه ظن عالم حجت است.

فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ‏ عَلَيْكُم‏[[1]](#footnote-1)[[2]](#footnote-2)

یعنی گمان و ظن عالم فقیه، حجت می شود، نه به این معنا که مطابق با واقع باشد بلکه ممکن است خطا باشد اما در مورد علم امام علیه السلام که واقع را می بیند و معصوم از خطاء است، حکم واقعی را نشان می دهد.

بر خلاف عالم فقیه که طبق گمان خود عمل می کند و از خطاء در امان نیست. بنابراین خاستگاه دو اصطلاح حکم واقعی و حکم ظاهری، حجیت ظن فقیه می باشد.

و اگر این حکم ظاهری مخالف واقع شود فقیه عقاب نمی شود چرا که ظن او حجت است. البته به شرط اینکه تقصیری نداشته باشد.

جلسه دوم فقه صلاه جماعه

گذشت که اگر در نماز جماعت شرکت کردیم،بعد از نماز متوجه شدیم که امام جماعت کافر بوده یا فاسق بوده یا طهارت نداشته (یا طهارت خبثیه نداشته مثل اینکه لباسش نجس بوده است، یا طهارت حدثیه نداشته مثل اینکه جنب بوده یا وضوء نداشته است)

در جایی که امامت فاسق یا کافر باشد نماز ماموم صحیح است برخی طریق اولویت جاری کردند در امامت غیر متطهر که هیچ اولویتی نیست چرا که خلاف قاعده است لذا نماز ماموم صحیح نیست.

محل اصلی بحث: آیا این نماز جماعت اجزاء و کفایت از اعاده نماز مامومین، می کند؟

چرا که انسان مکلف است، عبث رها نشده است، لذا احکامش را از پیامبر صلی الله علیه وآله می پرسد که واقع را می بیند.اما اگر به امام معصوم علیه دسترسی نداشته باشیم ، حضرت دستور می دهند که سراغ فقهاء بروید**،** فقهاء جانشینان ما هستند؛حجه علیکم کما نحن حجه علیکم ، الراد علینا الراد علی الله...

5- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ صَفْوَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِنَا يَكُونُ بَيْنَهُمَا مُنَازَعَةٌ فِي دَيْنٍ أَوْ مِيرَاثٍ فَتَحَاكَمَا إِلَى السُّلْطَانِ أَوْ إِلَى الْقُضَاةِ أَ يَحِلُّ ذَلِكَ فَقَالَ مَنْ تَحَاكَمَ إِلَى الطَّاغُوتِ فَحَكَمَ لَهُ فَإِنَّمَا يَأْخُذُ سُحْتاً وَ إِنْ كَانَ حَقُّهُ ثَابِتاً لِأَنَّهُ أَخَذَ بِحُكْمِ الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يُكْفَرَ بِهِ قُلْتُ كَيْفَ يَصْنَعَانِ قَالَ انْظُرُوا إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَارْضَوْا بِهِ حَكَماً فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِماً فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا بِحُكْمِ اللَّهِ قَدِ اسْتَخَفَّ وَ عَلَيْنَا رَدَّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشِّرْكِ بِاللَّهِ.[[3]](#footnote-3)

بنابراین دستور العمل براساس حکم فقهاء می باشد.

علماء در این فضاء دو دسته شدند:

اول مصوبه: گروهی که قائل اند هرچه فقیه بگوید حکم الله است.

دوم مخطئه: فتوای فقیه ممکن خلاف واقع باشد مثل آب مستعمل در حدث را برخی قائل اند که می توان دوباره با آن وضو گرفت ولی اگر کشف شود که خلاف واقع است عقاب نمی شود اما ثوابش کمتر است.

این عالم مجتهد فتوای اشتباهی داده یک ثواب می برد به خاطر زحمت او اما ثواب فعل واقعی را نمی گیرد.

للمصیب اجران و للمخطئه اجر واحد. یک مزد برای کسب واقع و یک مزد برای زحمتی که کشیده است.

حکم الله الواقعی حکم مطابق با واقع می باشد، برخلاف حکم الله ظاهری که همیشه مطابق واقع نیست، احتمال خطاء دارد، ولی براساس اجتهاد فقیه، صحت ظاهری دارد.

سوال: آیا امر ظاهری از حکم واقعی کفایت می کند یا خیر؟

حاج آقا رضا همدانی[[4]](#footnote-4): برخی این بحث را در امتثال امر ظاهری و امتثال امر واقعی برده اند:

اجزاء کفایت امر ظاهری از امر واقعی می باشد و عده ای گفته اند: ثبوت امر واقعی دیگری را منع می کنیم، آنچه از ادله فهمیده می شود، شرکت در نماز جماعت است و هرکسی را که از ظاهر حال او، عادل یافتیم، نماز را به اقتدا کنیم. از باب عمل به روایات: قوله (عليه السلام) «صل خلف من تثق بدينه و أمانته»

استدل للمشهور بأنه صلى صلاة مأمورا بها والامر يقتضى الاجزاء (یعنی: انگار امری که باید می آورده، آورده شده است و اامتثال امر الهی صورت گرفته است.)ولا نعنى بقاعدة الاخر المدعاة في المقام ما أنكرناها في جل مواردها وهى كون امتثال الامر الظاهر مجزيا عن الواقع فانا نمنع ثبوت امر واقعي هيهنا وراء ما تحقق امتثاله فان المنساق من أدلة الجماعة انما هو الحث على الصلاة خلف من يثق بدينه و أمانته ويراه مصليا بظاهر حاله واما كونه عدلا واقعيا وكونه صلاته صحيحة في الواقع فهو بشئ لا يعلمه الا الله ولا يكاد يفهم ارادته من اطلاقات أدلة الجماعة لا لام يلزم من شرطية صحتها الواقعية لاتى لا طريق للمأموم إلى احرازها التكليف بما لا يطاق كي يتوجه عليه الاعتراض بإمكان اكتفاء الشارع في احراز هذا الشرط بالظاهر الذي هو طريق ظني له ما لم ينكشف مخالفته للواقع بل لما أشرنا إليه من أن كونه كذلك موجب لعدم انصراف الذهن إلى إرادة الايتمام بمن احرز كونه مصليا بظاهر حاله فليتأمل ويدل عليه أيضا مرسلة ابن أبي عمير عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله عليه السلام في قوم خرجوا من خراسان أو بعض الجبال وكان يؤمهم رجل فلما صاروا إلى الكوفة علموا انه يهودي قال لا يعيدون فإنه يدل على حكم ما لو تبين كونه فاسقا أو غير متطهر بطهارة حديثية أو خبثية بالأولوية القطعية.

لذا امتثال امر ظاهری وظیفه می باشد و معنی امتثال تطابق بین ماتی به (عمل مکلف) و ماموربه (امر الهی) است.

روایات مسئله :(که متمومین نماز را به جماعت خواندند، بعد نماز فهمیدندکه امام جنب بوده و...)

مرسل ابن أبي عمير[[5]](#footnote-5) [[6]](#footnote-6)عن الصادق (عليه السلام) «في قوم خرجوا من خراسان أو بعض الجبال و كان يؤمهم رجل فلما صاروا إلى الكوفة علموا أنه يهودي، قال: لا يعيدون»

آقا رضا همدانی در ادامه: فإنه يدل على حكم ما لو تبين كونه فاسقا أو غير متطهر بطهارة حديثية أو خبثية بالأولوية القطعية**.**

در مورد امام جماعتی که وضوء نداشته و مامومین بعد از نماز فهمیدند، نماز مامومین باطل نمی باشد به طریق اولی در مورد امام جماعتی که طهارت خبثیه نداشته یعنی مثلا لباسش نجس بوده است، نماز مامومین باطل نمی شود.

نکته: برخی گفته اند تعبیر بعض الجبال مراد رشته کوه البرز است که متصل به خراسان است.لذا این دسته ای که مهاجرت کرده اند از مازندران بوده.

1. طوسى، محمد بن الحسن، الغيبة (للطوسي)/ كتاب الغيبة للحجة - ايران ؛ قم، چاپ: اول، 1411ق. [↑](#footnote-ref-1)
2. [کتاب الغيبه، الشيخ الطوسي، ج1، ص291.](http://lib.eshia.ir/10890/1/291/رواه) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج7، ص412.](http://lib.eshia.ir/11005/7/412/الراد) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مصباح الفقيه - ط.ق، الهمداني، آقا رضا، ج2، ص690.](http://lib.eshia.ir/10192/2/690/احرازه) [↑](#footnote-ref-4)
5. الوسائل - الباب - ٣٧ - من أبواب صلاة الجماعة - الحديث ١. [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج5، ص435، أبواب ابواب صلاه الجماعه، باب37، ح1، ط الإسلامية.](http://lib.eshia.ir/11024/5/435/خراسان) [↑](#footnote-ref-6)